

رئالیزم در

تاریخ ادبیات آذربایجان

م. کریمی

سر شناسه	کریمی، محمدرضا، ۱۳۳۴
عنوان و پدیدآور	رئالیزم در تاریخ ادبیات آذربایجان / م. کریمی.
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۶۸۴ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۸۹-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع	ادبیات ترکی آذربایجانی -- ایران -- تاریخ و نقد
موضوع	شعر ترکی -- ایران -- تاریخ و نقد
موضوع	واقع گرایی در ادبیات
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۳۱۳/۵/۷۴۳ PL
رده بندی دیویی	۸۹۴/۳۶۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۵۶۳۷۵



رئالیزم در تاریخ ادبیات آذربایجان

محمدرضا کریمی

ناشر: نشر اختر

چاپ اول ۱۳۹۵ / ۶۸۴ صفحه / قطع وزیری / ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۸۹-۹

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۹۱۴۱۱۶۶۸۹۷ و ۰۴۱-۳۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان



فهرست مطالب

۱۱ پیشگفتار

فصل اول:

۱۵ رئالیزم در ادبیات

۳۶ چشم انداز کلی

۳۹ نظری اجمالی

۴۰ تذکره ها

۴۰ ریاض الشعرا

۴۱ تذکره نواب

۴۲ ریاض العاشقین

۴۳ حدیقه الشعرا

۴۳ تذکره سید عظیم

۴۴ تذکره ضیایی

۴۴ تذکره صفا

۴۵ خلاصه الافکار

۴۵ ادبیات مرثیه

فصل دوم:

۵۵ ادبیات رئالیزم

۵۷ فرمهای شعری - قوشما

۵۹ گرایلی

۶۰	بایاتی
۶۰	ملا پناه واقف - بنیانگذار ادبیات رئالیزم
۷۹	ملا ولی ودادی
۹۰	نصر تعلی
۹۱	شاهی اردبیلی
۹۲	فاطمه آنی
۹۳	فکری اردبیلی
۹۴	آقا بیگم
۹۵	قمری اردبیلی
۹۵	محمد یزاز - ناصر
۹۶	ذکری اردبیلی
۹۷	میرزا ابراهیم ذکری اردبیلی
۹۸	شمس اردبیلی
۹۹	گنجی
۱۰۰	غالب
۱۰۰	تخلیم خان
۱۱۲	صراق اردبیلی
۱۱۲	خسرو خرقانلی
۱۱۴	ناظم اردبیلی
۱۱۴	آقا مسیح شیروانی
۱۱۷	ابوالفتح خان طوطی
۱۱۸	فتحعلی خان مشتری
۱۱۹	مهبجور شیروانی
۱۲۲	نشاط شیروانی
۱۲۴	آقا حسین عارف
۱۲۵	عارف تبریزی
۱۲۶	صالح تبریزی
۱۲۶	قاضی عبدالله خوئی
۱۲۷	عاجز سرابی
۱۳۶	شقایق

۱۳۸.....	رافعی.....
۱۳۹.....	حکیم ملا عبدالله زنوزی.....
۱۴۲.....	حیران خانیم.....
۱۵۳.....	میرزا شفیع واضح.....
۱۵۴.....	عارف.....
۱۶۰.....	آشیق پری.....
۱۶۴.....	میرزه جان.....
۱۶۹.....	سالک.....
۱۷۸.....	حکیم ابوالقاسم زبیدی.....
۱۹۵.....	عندلیب قره‌جه دانی.....
۲۰۴.....	قدسی.....
۲۳۳.....	ملا قاسم ذاکر.....
۲۳۷.....	میرزه.....
۲۴۱.....	عبدالرحمان دلباز.....
۲۴۹.....	نوا.....
۲۵۱.....	قاسم بیگ ذاکر.....
۲۷۱.....	مehوشی شیروانی.....
۲۷۶.....	نجاتی.....
۲۷۸.....	شکر شیروانی.....
۲۷۹.....	نصرت.....
۲۸۰.....	ابن جانی.....
۲۸۶.....	واله.....
۲۹۲.....	آقاباقر شیروانی.....
۲۹۳.....	شاگر.....
۲۹۵.....	جوانشیر.....
۳۰۲.....	میرزا حسن زنوزی.....
۳۰۳.....	وایقانلی آدم.....
۳۱۳.....	پروانه.....
۳۱۳.....	انیس تبریزی.....
۳۱۳.....	بهجت تبریزی.....

فصل سوم:

۳۱۵	تجدد طلبی
۳۱۶	آخوند زاده
۳۳۴	دوران تنظیمات
۳۴۶	ضیا پاشا
۳۴۷	نامق کمال
۳۴۸	توفیق فکر
۳۵۱	اشرف
۳۵۵	سیرانی
۳۵۷	میرزا آقا تبریزی
۳۵۹	مطلع سرابی
۳۶۰	میرزا باخیش نادم
۳۶۱	ابوالقاسم زنجان
۳۶۹	میرزا نصراله دیده
۳۷۰	جاذب خوئینی
۳۸۷	مسکین
۳۸۸	چاکر
۳۹۰	شیخ اسماعیل ذبیحی
۳۹۲	غریق
۳۹۴	ملا آقا جان عتیق
۳۹۵	شهید
۳۹۶	دوللو مصطفی
۴۰۲	بالولو مسکین
۴۱۰	ماهتاب خانیم
۴۱۰	ماه خانیم
۴۱۱	فاتح
۴۱۲	غنچه بیگیم
۴۱۳	گویا / کاظم
۴۱۴	محمد باقر خلخال

۴۲۲	میرزا ابوالحسن راجی
۴۳۴	ابراهیم بیگ آذر
۴۳۶	لیلا خانیم
۴۴۶	میرزا حمزه نگاری
۴۵۳	فاطمه شیروانلی
۴۵۴	شاه نگار رنجور
۴۵۷	بانو خورشید ناتوان
۴۷۲	خیالی اردبیلی
۴۷۳	شوری بخشایش
۴۷۴	مضطر تبریزی
۴۷۶	میرزه نبی افندی
۴۷۹	ضیائی
۴۸۳	وحیدی
۴۸۷	میرزا اسکندری
۴۹۱	نافع
۴۹۲	رسول
۴۹۳	رسول دولگر
۴۹۴	شوخی
۴۹۶	ملا محمد حزنی
۴۹۸	گوللر پریسی
۴۹۹	گوللو بیگیم
۵۰۰	ناجی
۵۰۳	میرزا مهدی ناجی
۵۰۶	مصطفی ناصری
۵۱۰	ملا آقا
۵۱۵	میرزا نصراله بهار
۵۱۹	حاج مهدی شکوهی
۵۲۴	پر غم تبریزی
۵۲۷	فانی
۵۲۹	والا

۵۳۰	میرزا باقر تبریزی
۵۳۰	وحیدی تبریزی
۵۳۰	مولانا اسرار
۵۳۲	دانش
۵۳۳	اعتمادالسلطنه
۵۳۴	شهر اولین ها
۵۳۷	سید عظیم شیروانی
۵۵۳	حاج زین العابدین مراغه ای
۵۵۵	عبدالرحمان طائر تبریزی
۵۶۰	توپچی باشی
۵۶۱	حسن بیگ زردابی
۵۶۲	فقیر
۵۶۴	فاطمه خانیم کمینه
۵۷۱	بزمی
۵۷۵	سیدرضا صابر
۵۷۸	زینا خانیم لعلی
۵۷۹	ابوالاحد ذلیل
۵۸۰	محمد امین دلسوز
۵۸۸	شمس دوز
۵۸۹	دودوئی
۵۹۰	ناکام
۵۹۶	ساغری
۵۹۸	سالار
۵۹۸	صفا
۵۹۹	یوسفی
۵۹۹	مخفی
۶۰۲	هادی
۶۰۴	نورس
۶۱۰	شاهین
۶۱۲	شعله

۶۱۳	هدایت بیگ خاکی
۶۱۴	ثابت
۶۱۵	میرزا حسن افتدی
۶۱۹	غافل
۶۲۰	راغب
۶۲۲	ظهوری
۶۲۳	محمد صفا
۶۲۵	انجمن ادبی صفا
۶۲۵	ملا محمد ذوئی
۶۲۷	ناصح
۶۳۰	عاصی
۶۳۵	جعفر
۶۳۶	دخیل مراغه ای
۶۳۷	حکیم لعلی
۶۴۱	گوهر شیروانی
۶۴۲	صراف
۶۴۵	گوللر خانیم
۶۴۶	حکیم هیدجی
۶۷۲	ثابت شیروانی
۶۷۲	بینش تبریزی
۶۷۳	مینا بیگیم
۶۷۴	ملا طوبی
۶۷۴	تویچی
۶۷۴	ثابت
۶۷۵	جرعه
۶۷۵	اشکریز
۶۷۵	میرزا حسن رشديه
۶۷۸	منابع و مواخذ

پیشگفتار

در این کتاب به بررسی مرحله‌ای از تاریخ ادبیات آذربایجان می‌پردازیم که زبان و ادبیات ترکی به رشد و گسترده‌ای خاصی دست یافته و صدها شاعر از گوشه و کنار این سرزمین پهناور قد می‌کشند و هنرمندان مختلفی در عرصه‌های موسیقی، نقاشی، خط، معماری و... همگام با عالمان و اندیشمندان وارد عرصه می‌شوند. این دوران، از نظر تاریخی و حوادث فراوانش دورانی غم‌انگیز و یأس‌آوری است چرا که بخش از آذربایجان از تنه‌ی میهن عزیزمان ایران جدا گشته و زیر سیطره‌ی تزار روس می‌رود و در عین حال زندگی مردم دچار تحولات و دگرگونی‌های سریع می‌گردد و ناملایمات زندگی توده‌ی مردم آغاز می‌شود. با همه‌ی این اوضاع، زبان و ادبیات در پاسخگویی به خواسته‌های زمان دچار تغییر و تحول شده و ناملایمات زندگی مردم را در سطر سطر دیوان شاعران منعکس می‌نماید.

در این دوره، شاعران و ادیبان بزرگی پا به عرصه‌نهادند که برای تغییر مسیر ادبیات به تنهایی کافی بوده‌اند. در اینجا نمی‌توان از نقش ملایناه واقف، ابوالقاسم نباتی، ابوالقاسم ذاکر، میرزا فتحعلی آخوندزاده و بسیاری دیگر از بزرگان ادب و اندیشه در پیدایش نقطه‌ی عطف در تاریخ ادبیات آذربایجان چشم پوشید. بنابر این در این مرحله با صدها شاعر بزرگ و تأثیرگذار روبرو هستیم.

شاعران این دوره را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱) شاعرانی که هنوز به سنت‌های کلاسیک وفادار مانده‌اند و ضمن آفرینش آثار خویش در فرم‌های شعری کلاسیک مانند غزل، مثنوی و غیره، از سرچشمه‌ی عرفان و تصوف، معنویت آسمانی و افکار عرفانی تغذیه می‌کنند. در میان این بزرگان شاعرانی هستند که حتی به فرمهای شعری بومی نیز عنایتی دارند، در عین حال در قله عرفان دارای

افکار سرشار از حکمت و فلسفه و عرفان جا خوش کرده‌اند؛ از این شاعران می‌توان به حکیم ابوالقاسم نباتی، حکیم ملا عبدالله زنوزی، حکیم هیدجی، حکیم محمد باقر خلخالی و دیگران اشاره کرد.

۲) شاعرانی که به فرم‌های شعری بومی مانند قوشما و گرایلی و . . . روی آورده و زبان مردمی و ساده را برای آفرینش شعری خویش برگزیده‌اند. این دسته شاعران با وجود تازه بودن جریان، از رشد قابل توجهی برخوردارند و تعدادشان نیز هر روز رو به فزونی دارد و پرداختن به مسائل روز و اوضاع جامعه سرمشق آنان قرار گرفته است و این - ریان - رئالیزم در حقیقت راه و روش غالب این دسته از شاعران است و این جریان موضوع اصلی این کتاب بشمار می‌آید.

۳) دسته سوم شاعران نوحه سرا و مرثیه پرداز هستند که در این زمان وزنه‌ی سنگینی از ادبیات دوره بر عهده گرفته و به زیبایی تمام از عهده‌ی آن برآمده‌اند. ادبیات مرثیه در این دوره‌ی زمان از وقار، سنگینی و محتوای بسیاری برخوردار است و بخشی از رئالیزم ادبیات آذربایجان را به گردن گرفته است، چرا که مذهب در تمام شئونات زندگی مردم نفوذ یافته و سروده‌های این بزرگان اصلی‌ترین زمزمه‌های مردم، حداقل در دو - سه ماه - محرم و سر ایام سوگواریهای پیامبر و ائمه اطهار است. باز فرم غالب این اشعار، فرم‌های شعری بومی است. اما به دلیل اهمیت موضوع و گسترده‌ی ادبیات مرثیه در ادبیات آذربایجان، موضوع بررسی آنها به کتابی دیگر وانهاده‌ایم و در این کتاب اشاره‌های اندکی بدین سروده‌ها شده است. در کتاب دیگر تکرار و ملال‌آور نباشد. برخی از شاعران این عرصه عبارتند از: دختل، دلسوز تبریزی، پر غم تبریزی و . . .

در اینجا نباید از ذکر این مساله غفلت ورزید که شاعران زن در این دوره افزایش چشمگیری یافته است و صدها شاعر در این عرصه به میدان آمده‌اند که برای نمونه می‌توان از بانو ناتوان، حیران خانیم، لیلا خانیم، آشیق پری، شاه نگار رنجور و دیگران نام برد که حتی در راس طریقت‌های فکری زمان قرار گرفته و مریدانی داشته‌اند. این بازه‌ی زمانی که حدوداً از قرن ۱۲ آغاز می‌شود و با تحول از رئالیزم به رئالیزم انتقادی می‌رسد و آنگاه زمینه‌ی انقلاب مشروطه را طرح می‌ریزد کم و بیش دو سده طول می‌کشد. اما برای آنکه موضوع جذابیت خود را از دست ندهد تنها به بررسی زندگی و آثار شاعرانی پرداخته شده است که حداقل دیوان کاملی را دارا بوده و از پرداختن که شاعرانی کم کار دوری بسته‌ام، و گر نه تعداد شاعران بسیار فراوان و از

این نظر حیرت آور است.

در این کتاب، به بیان حوادث تاریخی و رویدادهای مهم پرداخته، سپس به شعرای برخاسته در این موقعیت تاریخی پرداخته‌ام. این مرحله در تاریخ ادبیات ما با ملایانه واقف آغاز می‌گردد که بانی ادبیات رنالیزم آذربایجان می‌باشد. او ضمن پالایش زبان ترکی آذری از واژگان عربی و فارسی، همچنین به کنار نهادن قوالب شعری عروضی که در مرحله کلاسیک، عمده فرم‌های شعری ما را تشکیل می‌داد، مضمون و محتوای شعر را نیز تغییر داد و دگرگون ساخت. در این مرحله، شعر آذربایجان شعر زندگی است و همچون دوران کلاسیک در آسمان‌ها سیر نمی‌کند بلکه بر روی زمین و با مردم در تماس دایمی است.

واقف بنیانگذار ادبیات رنالیزم آذربایجان است که زبان ادبی را به زبان مردم نزدیک ساخت و در عین حال مضامین شری را از زندگی مردم گرفت. این ادبیات لایتغیر باقی نماند بلکه همراه با تحولات جامعه متحول شد به عری که پارا پیش نهاد و بعد از یک سده به مرحله‌ی دیگر این ادبیات، یعنی رنالیزم انتقادی، رسید. این دیالکتیک ادبیات و تاریخ ادبیات بود که با گذر از مرحله‌ی اول، الزاماً به مرحله‌ی دوم می‌رسد و گرنه روند رو به رشدی نداشته است که خوشبختانه ادبیات آذربایجان در این مرحله، این روند را به پیشرفت را تداوم بخشیده و مراحل تکوین را چنان سپری کرده است که در انقلاب مدی و طیت توانسته است رسالت تاریخی خود را به انجام رساند. ادبیات نقش سازنده‌ای در تحول تاریخی مردم آذربایجان داشته است و به مرحله‌ای رسیده است که مستبدان و بیگانگانی که پیش از این جمع به میهن ما دوخته بودند از ادبیات و شعر بیشتر از توپ و تفنگ به وحشت افتاده‌اند.

این مرحله از تاریخ ادبیات آذربایجان، در عین تحول کیفی، بستگی و عمق قابل ملاحظه‌ای داشته است. بدین معنی که اگر در دوران کلاسیک برخی سلسله‌های پادشاهی مجالس الشعرائی تشکیل داده و به تشویق و تقویت شاعران و شعر و ادب می‌پرداختند، این بار کانون‌های تقویت به مراتب بیشتر شده و در شهرهای مختلف آذربایجان، مجالس الشعرائی بیشتری نیز تشکیل شده و دربار خانات به تقویت و توسعه‌ی شعر و ادب رونق خاص بخشیده‌اند. این کانون‌ها در رقابت با همدیگر نیز تلاش کرده و در نتیجه ادبیات این مرحله از تاریخ با پیشرفت‌های چشمگیری روبرو بوده است.

گام بعدی و منطقی چنین روندی افزایش قابل توجه کمیت و تعداد شعرا بوده است. هر یک از این کانون‌های شعر و ادب نه تنها از حمایت خانات بهره‌مند بودند بلکه خود شاعران نیز به تربیت جوانان همت گماشته و ادبیات در جامعه ارزش و قربی یافته و شاعران نیز در میان مردم

از احترام برخوردار بوده‌اند و لذا تعداد شاعران نیز افزایش چشمگیری داشته است به طوری که حتی در هر شهر و منطقه از این مجالس الشعرا تشکیل شده و به مناظره و مشاعره با یکدیگر پرداخته و گاه رقابت‌های اصولی نیز داشته‌اند که نتیجه‌ی طبیعی آن، رشد و توسعه‌ی ادبیات در آذربایجان است.

ظهور صدها شاعر توانمند و خوش ذوق، بی‌تردید محتوای ادبیات را نیز ارتقا بخشیده و ادبیات را به راه صحیح و منطقی سوق داده است. لذا در این فاصله‌ی زمانی ۲۰۰-۱۵۰ ساله با صدها شاعر بزرگ و صدها برابر آن آثار ادبی مواجهیم. هرچند که بنا بر نظر برخی از ادیبان، در ایران ادبیات فارسی دوران فترت را می‌گذرانند، اما ادبیات ترکی شکوفاترین دوران تاریخی را پشت سر می‌نهد و نتیجه‌ی منطقی‌اش پرچمداری آذربایجان در نهضت بیداری ایرانیان می‌باشد. لذا این ادب‌توانان رسالت خود را به خوبی ادا نماید و ما از این نظر سربلند و پرغرور به این مرحله می‌رسیم.

در این مقطع تاریخی، منبع خوبی به حد وفور بوده و دسترسی به آن‌ها نیز چندان سخت نبوده است. آنچه قابل ذکر است، اسناد از صدها دیوان شاعران برجسته‌ی این عصر فقط تعداد انگشت‌شماری در ایران به چاپ رسیده‌اند.

ادبیات ایران، ادبیات کلیه‌ی اقوامی است که در چارچوب ایران و با هویت ایرانی زندگی می‌کنند و به این هویت می‌بالند. آذربایجان نیز علیرغم همه‌ی سختی‌هایی که در دوران منحوس سلطنت پهلوی داشته، امروز به تعالی فرهنگی خرد پی برده و در صدد دستیابی به این فرهنگ متعالی است که پیوندی عمیق با اندیشه‌های اسلامی-ایرانی دارد.

سخن آخر، از صاحب‌نظران و منتقدان نیز انتظار دارم با نقد سازنده، نویسنده را به سوی راه صحیح بکشانند. در صورت نقد این عزیزان امکان تصحیح راه را خواهیم داشت.

با آرزوی بهترین‌ها

برای دوستداران ادبیات

م. کریمی